

# بازگشت گلاادیاتور



میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

حدود ربع قرن بعد از نمایش فیلم «گلادیاتور» که غوغایی در علاقه‌مندان جدی سینما برانگیخت، حالا ریدلی اسکات که کارگردان سری اول این فیلم بود و البته کارهای شاخص دیگری هم در کارنامه داشت، دست به کار ساخت سری دوم آن می‌شود. نکته اینجاست که گلادیاتور ۲ را نمی‌توان یک سری سازی سینمایی به سبک سایر محصولات تجاری آمریکا دانست که اگر این طور بود این اتفاق باید نهایتاً یکی دو سال بعد از انتشار سری اول می‌افتاد، نه ۲۵ سال بعد.

در می ۲۰۰۶، اسکات گفت در حالی که توسعه پروژه ادامه دارد، داستان فیلم هنوز دقیقاً مشخص نشده است. او گفت تمام ذهن‌های خلاق که با گلادیاتور درگیر بودند، روی این موضوع کار می‌کردند که چگونه از جایی که داستان متوقف شد، ادامه پیدا کند. راسل کرو یک عنصر فانتزی را برای بازگرداندن ماکسیموس به زندگی ترجیح داده است، در حالی که اسکات معتقد بود یک رویکرد تاریخی بهترین گزینه است. در این مدت، نیک کیو مأمور شد تا پیش نویس جدیدی از فیلمنامه را بنویسد. بعدها مشخص شد که اثر تحت عنوان «قاتل مسیح» نوشته شده است. فیلمنامه کیو که در آن ماکسیموس نفرین شده بود تا همیشه زنده بماند، شامل جنگیدن او در میدان جنگ‌های صلیبی، جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام بود و در پایان کار نشان داده می‌شد که او در دوره مدرن امروزی، در پنتاگون کار می‌کند. این فیلمنامه در نهایت رد و کنار گذاشته شد.

طبیعتاً انتخاب یک رویکرد تاریخی باعث می‌شد راسل کرو در قسمت دوم گلادیاتور حضور نداشته باشد که همین هم شد. در حالی که ریدلی اسکات معتقد بود سری دوم این فیلم ساخته نخواهد شد، وجود این طرح را تأیید

کرد که لوسیوس، پسر ماکسیموس و لوسیلاست. او همچنین همان ایام در مورد لزوم فیلمنامه‌ای پیچیده‌تر حرف زد که با فساد روم و در نتیجه عاقبت احتمالی آن بحث کرد.

ریدلی اسکات کسی است که غیر از گلادیاتور فیلم‌های تاریخی مهم دیگری هم ساخته و «قلمرو بهشت» یکی از آنهاست. آخرین فیلم او تاکنون «ناپلئون» بود که واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت و خصوصاً از جانب فرانسوی‌ها مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت. واضح است که اصالت انگلیسی اسکات باعث شده بود او تاریخ را به نحوی که دلش می‌خواهد دستکاری کند و همین موجب خشم فرانسوی‌ها شد و خود اسکات هم واکنش‌های غافلگیرکننده‌تندی که گاه کاملاً بی‌ادبانه بودند نشان داد. گلادیاتور اما سراغ بخشی از تاریخ می‌رود که در میان تمام کشورهای متعلق به جهان غرب یک عنصر مشترک به حساب می‌آید؛ امپراتوری رم باستان. حالا که ۲۴ سال از پخش سری اول گلادیاتور می‌گذرد، به چهره آن فیلم‌هاله‌ای از نوستالژی هم نرسیده و همین باعث مقایسه‌های جانبدارانه بین سری اول و دوم خواهد شد. به عبارتی حتی اگر اسکات گلادیاتور ۲ را مطابق با همان استانداردهای هنری و فنی سری اول از کار در بیآورد، همان‌ها نوستالژیک که گرد اولین قسمت را گرفته، باعث قضاوت‌های جانبدارانه‌ای به نفعش خواهد شد. اینها در حالی است که احتمال می‌رود کیفیت کار اسکات در سری دوم به واقع ضعیف‌تر هم باشد. او فیلمسازی است که اگرچه چندین اثر شاهکار در کارنامه دارد اما لایه‌لای آنها تعداد قابل توجهی فیلم بد هم ساخته است. به علاوه سن ریدلی اسکات بالا رفته و هم غرور پیشکسوتی در رفتار او قابل مشاهده است و هم خلق و خو و حوصله‌اش تنگ شده. اینها همه می‌توانند موانعی در راه مشورت‌پذیری او ایجاد کنند که می‌تواند به کارش صدمه بزند. یک نکته مهم دیگر این است که بازیگران سری اول گلادیاتور در سری دوم آن حضور ندارند.

## پلتفرم‌های نمایش ایرانی در پول درآوردن شبیه کدام مدل جهانی هستند؟

# پول اشتراک بدنه تبلیغات بین



مریم فضالی خبرنگار

یکی از نقد‌های جدی که از جانب کاربران فضای مجازی به پلتفرم‌های ایرانی می‌شود، مربوط به حوزه تبلیغات است. مشترکان این پلتفرم‌ها معترضند، چرا باید حق اشتراک و پول اینترنت بدهند و تبلیغات دلخواه صاحبان پلتفرم بین سریال و برنامه‌ها پخش شود. با تمام نقدهایی که به آنها می‌شود، سهم تبلیغات نه تنها کمتر نشده است، بلکه حضور پررنگ‌تری از قبل پیدا کرده است. حالا سعید مقبسه، رئیس سازمان ساترا در گفت‌وگویی که با مهر داشت، توپ را به زمین دیگری پرت کرده و گفته است: «اینکه تبلیغ آوردن وسط سریال قانونی است یا خیر نیاز به دقت‌های حقوقی دارد.» او در ادامه عنوان کرد که فروش اشتراک تنها راه برای درآمدزایی پلتفرم‌ها نیست و روش‌های دیگری هم وجود دارد و شیوه‌های کسب درآمد پلتفرم‌ها را این‌گونه برشمرد: «عده‌ای محل درآمدشان ترافیک است، عده‌ای تبلیغات است، عده‌ای با اکانتا یا فروش محتوای درون برنامه درآمد کسب می‌کنند. عده‌ای هم همین‌ها هستند و درآمدشان دیده‌شود برایشان کفایت می‌کند و در نهایت انواع مختلفی نسبت به مدل تبلیغاتی وجود دارد که مبتنی بر هر مدلی، رفتار سکو با کاربر هم متفاوت است.»

رئیس ساترا با اشاره به قرارداد تعریف‌شده میان یک سکو و کاربانش درباره حقوق کاربران گفت: «قرارداد میان سکو و کاربانش تعیین‌کننده میزان اختیار آن سکو در نوع ارائه محتواست. البته قبول دارم که ما هم باید یک سری قوانین کلی وضع کنیم که مانع شود تا سکوهای حقوق کاربر را رعایت نکنند.» راهکاری که او برای حل این موضوع می‌دهد، شفافیت مالی است تا از این طریق کاربر بداند که پول چه چیزی را می‌دهد و درآمد پلتفرم‌ها از چه طریق است.

مقبسه کلید تمام نقد‌های وارد شده به سیستم سرویس‌های اقتصادی را شفافیت می‌داند. او درباره مزایای شفافیت گفت: «به‌طور مثال اگر سکوهای اعلام کرده که در حق اشتراک بیشتری می‌گیریم، اما نسخه‌ای در

البته با توجه به سرنوشتی که برای شخصیت‌های فیلم گلادیاتور پیش آمد منطقی نیست که آنها را در سری دوم هم ببینیم؛ مگر اینکه روایت عطف به اتفاقاتی شود که قبل از نسخه سال ۲۰۰۰ نمایش داده شدند. این هم البته امکان‌پذیر نیست چون هم روایت فیلم گلادیاتور طولانی بود و بازه‌ای طولانی از زمان را پوشش می‌داد و هم اینکه بازیگران آن مجموعه ۲۴ سال پیرتر شدند و نمی‌توانند نقش جوان‌تر از ۲۴ سال پیش خودشان را بازی کنند. داستان سری دوم گلادیاتور از جایی شروع می‌شود که لوسیوس در جوانی در منطقه نومیديا در شمال آفریقا زندگی می‌کند و مادرش او را از کودکی به آنجا فرستاده تا امپراتوری روم دور باشد، اما دست تقدیر لوسیوس را به عنوان یک گلادیاتور به رم بازمی‌گرداند و او با دشمنان روبه‌رو و با مادرش همراه می‌شود. کسی که نقش لوسیوس، این وارث سابق امپراتوری را بازی می‌کند، پل مسکال است. گویا ریدلی اسکات پس از تماشای بازی موفقیت‌آمیز مسکال در «مردم عادی» از طرفداران این بازیگر شده بود و او را دعوت به کار کرد اما کل جلسه گفت‌وگو و مذاکره آنها به نیم ساعت هم نرسید. غیر از پل مسکال، دنزل واشنگتن هم نقش مهمی در این فیلم دارد و برای اولین بار بعد از «گانگستر آمریکایی» با اسکات همکاری می‌کند. پدرو پاسکال، کانی نیلسن، جوزف کوبین، فرد هیچنگر و درک ژاکوبی از دیگر بازیگران نسخه دوم گلادیاتور هستند، حال آنکه هیچ‌کدام در سری اول حضور نداشتند.

دیوید فرانزونی که نویسنده سری اول گلادیاتور بود، فیلمنامه‌نویس کاملاً گمنامی به حساب می‌آید که تنها کار شاخص در کارنامه‌اش همین اثر است و در این ۲۴ سال توانست از موفقیت گلادیاتور پل‌پلی برای موفقیت‌های بعدی بسازد، اما نویسنده سری دوم دیوید اسکاریا است که او هم چندان مشهور و پرکار نیست و مهم‌ترین کارهایش تا قبل از این «مرد پول‌های دنیا» و «ناپلئون» هردو به کارگردانی ریدلی اسکات بوده‌اند.

## همه‌انیمیشن‌ها مناسب کودکان نیستند

شروین فضلعلی‌زاده منتقد انیمیشن

انیمیشن مثل سینما یکی از بخش‌های صنعت سرگرمی جهان است. در این مورد که مخاطب اصلی و هدف این صنعت کودکان بوده‌اند هیچ شکی نیست ولی آیا همه انیمیشن‌ها برای کودکان هستند؟

به تازگی در صفحات مجازی و شبکه‌های اجتماعی افرادی که خود را روانشناس کودک معرفی می‌کنند، وارد عرصه شده‌اند و درخصوص آثار انیمیشن، با ظاهری معقول و شایبونی ثابت، مشغول پیچیدن نسخه برای مخاطبان هستند و در اظهارنظرهایی مثلاً می‌گویند باب اسفنجی برای کودکان مناسب نیست! بچه رئیس برای بچه‌ها مناسب نیست! دختر کفش‌دوزکی برای بچه‌ها مناسب نیست! سری کوزمولون برای کودکان مناسب نیست!

موضوع اینجاست که بله همه انیمیشن‌ها این روزها برای کودکان مناسب نیستند، حتی بعضی برای نوجوانان هم مناسب نیستند. امثال انیمه‌های جدی و خشنی مانند «سولو لولینگ» و «جوجوتسو کایزن» با توجه به محتوا و خشونت‌شان برای قشر جوان و بزرگسال مناسبند و نه مانند آنچه قبلاً در پلتفرم مشهور فیلم‌ها عنوان شده برای بالای ۱۵ سال (این عنوان به تازگی اصلاح و به ۱۸ سال تغییر یافته) سال‌های سال است که هنرمندان و تولیدکنندگان انیمیشن در سراسر جهان به مخاطب بزرگسال خود نیز توجه ویژه‌ای دارند و از «الف بکشی» گرفته تا بزرگان دیگر صنعت انیمیشن، آثاری را ویژه سطح فهم و ظرفیت مخاطبان بزرگسال و جوان تولید کرده‌اند. اما ما در ایران هنوز هم نگاه «کارتون» مسلک به انیمیشن داریم و هنوز هم به دید یک محصول ویژه خردسالان و کودکان به آن نگاه می‌کنیم. هنوز هم به کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند یا آن را دنبال می‌کنند با نگاهی تحقیرآمیز نگاه می‌کنیم و آنها را کودک می‌دانیم. درست مانند آنچه سالیان سال قبل به هنرمندان عرصه موسیقی اطلاق می‌شد و همه را با نام «مطرب» تحقیر می‌کردند.

البته اینکه این نگاه به آرامی درحال تغییر است شکی نیست ولی سرعتش آنقدر کم و پایین است که هنوز هم از سوی تهیه‌کننده‌ها و فعالان سینما جدی گرفته نمی‌شوند. (نمونه آن عدم تولید حتی یک اپیزود انیمیشن اختصاصی توسط غول‌های صنعت VOD در ایران با وجود کم‌هزینه‌تر بودن در مقایسه با سریال‌های تکراری و بی‌ارزش و بعضاً سخیفی که به‌طور مسلسل‌وار درحال تولید هستند). به بحث اول برگردیم. باید با مخاطبان این صفحه‌ها و این کارشناسان کمی روراست‌تر صحبت کنیم. نسخه تکراری و بی‌دلیلی که این حضرات درحال پیچیدن آن هستند اشکالات زیادی دارد و البته برای همه هم کارماز نیست؛ بله، باب اسفنجی قطعاً انیمیشن خردسال نیست و تماشا‌های آن در آمریکا با رتبه‌بندی TV-۷ برای کودکان بالای ۷ سال بدون اشکال است. باور کنید در زمینه محتوای نمایشی به کودکان سیستم نظارتی وال‌دین آمریکایی خیلی از ما سختگیرتر هستند و البته لطفاً با این به اصطلاح حقایق سیاه در مورد آثار انیمیشن هم ذهن خود و کودکان‌تان را آلوده نکنید که «خرچنگی برگرد» یا گوست چه چیزی تهیه می‌شود و... پس این اثر برای کودکان بالای ۷ سال مشکل ندارد.

بله «بچه رئیس» برای کودکان مناسب نیست و سازندگانش توصیه کردند فرزندان زیر ۱۳ سال باید آن را همراه با یکی از والدین خود تماشا کنند تا سوالات و ابهامات آنها در این داستان را برطرف کنند و باز هم به لطف نظارت و سختگیری‌ها، این اثر به جای پخش از شبکه امید از نهال سرد آورده است و در VODها هم هیچ نشانه‌ای از محتوای PG۱۳ ندارد ولی این دلیل بر بد بودن آن برای کودکان نیست. با این حال برخی انیمیشن‌ها در فرآیند دوبله می‌توانند برای نمایش در ایران، اصلاح و مناسب شوند، مثلاً انیمیشن دختر کفش‌دوزکی که اصولاً برای نوجوانان طراحی و تولید شده، ضمن تأکید بر پخش با وجود ممیزی‌های محتوایی در ایران، با خلاقیت تیم دوبله آن تبدیل و اصلاح شده است. درواقع آنچه در ایران نمایش داده می‌شود نسخه خاص ایرانی اثر است که برای مخاطب کودک قابل فهم شده و رتبه‌بندی سنی آن به لحاظ محتوا و تصویر پایین آمده است. همین موضوع علاوه بر ایجاد جذابیت برای کودکان، باعث انتقال و آموزش مفاهیم باارزشی مانند «دوستی»، «همکاری» و «تلاش» در میان مخاطبان خود شده است.

یکی دیگر از مواردی که برخی با ادعای روانشناسی کودک بر محتوای آثار اشکال می‌گیرند، شبکه اینترنتی کوزمولون است. این شبکه که تا سال ۲۰۱۸ با نام ABC Kids مشغول فعالیت بود، اصولاً یک شبکه تولید محتوا برای خردسالان و کودکان است و بیش از ۱۱ سال است که در این زمینه به‌طور تخصصی فعالیت می‌کند. اظهارنظر این کارشناسان از این جهت قابل تأمل است که اگر محتوای این شبکه اینترنتی باعث ایجاد هیجان کاذب در کودکان می‌شود، پس چرا در سطح بین‌المللی مجال ایستادن در رتبه سوم بیشترین دنبال‌کننده را به دست آورده است؟

در پایان باید گفت بله هستند آثار انیمیشنی که نمی‌توان آنها را برای کودکان مناسب دانست و نه فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان این نگاه سبب شده زده‌بندی سنی آنها تغییر کند، مانند «بن ۱۰» و خانواده‌ها باید دقت کنند کودکان‌شان این آثار را کمتر ببینند. (البته منظور خانواده‌هایی است که با فرزندان خردسال و کودک خود «پوست شیر» و «گناه فرشته» و «در انتهای شب» را تماشا نمی‌کنند) و از سوی دیگر توجه داشته باشیم وجود برجسب انیمیشن همیشه به معنی اثر مناسب و ویژه کودکان نیست و بزرگسالان هم در این بازار سهمی برای خود دارند.

